

پنجره

شبه قاره که بسیاری آن را شامل پاکستان، هند و بعضاً افغانستان می‌دانند دورانی بس حساس و قابل تأمل را سپری می‌کند که از آینده‌ای ویژه برای این منطقه خبر می‌دهد. در حوزه هند رویکرد همه‌جانبه‌ای از سوی کشورهای غربی به دهلی نو مشاهده می‌شود که از مهم‌ترین آنها اقدامات اخیر آمریکا است. مودی نخست وزیر هند به آمریکا سفر می‌کند، در حالی که از یک سو در کنگره آمریکا سخنرانی داشته از سوی دیگر اوپاما، رئیس‌جمهور آمریکا اعلام می‌کند که کشور پذیرنده پیوستن هند به باشگاه تأمین‌کنندگان هسته‌ای است. محافل رسانه‌ای آمریکا نیز از احتمال سرمایه‌گذاری ده‌ها میلیارد دلاری کشورشان در هند خبر دادند. در این سفر دو طرف بر توسعه همکاری‌های نظامی و اطلاعاتی تأکید کردند. نکته قابل توجه آنکه مودی در کنگره آمریکا به صراحت پاکستان را به تروریسم‌پروری متهم کرد، در حالی که مقامات و سناتورهای آمریکایی با وجود ادعای روابط نزدیک به پاکستان واکنشی به این سخنان نشان نداده و به نوعی مهر تأیید بر مواضع مودی زدند. مهم آنکه مودی



پیش از سفر به آمریکا از افغانستان و برخی کشورهای عربی حوزه خلیج‌فارس دیدار داشته که بسیاری آن را برگرفته از چراع سبز غرب دانسته‌اند.

در حوزه پاکستان نیز تحولات چشمگیری مشاهده می‌شود؛ آمریکایی‌ها از یک سو از قطع کمک‌های مالی و نظامی به پاکستان به بهانه برخی اختلافات سیاسی و بی‌توجهی اسلام‌آباد به مطالبات واشنگتن خبر داده‌اند و از سوی دیگر با وجود مخالفت پاکستان همچنان به حملات پهپادی به خاک این کشور ادامه می‌دهند که نتیجه آن نیز کشته شدن ملا اختر سرکرده طالبان بود، حال آنکه پاکستان در حال مذاکره با طالبان برای رسیدن به صلح و آتش‌بس پایدار بوده است. آمریکایی‌ها همچنین پاکستان را به دخالت در امور افغانستان متهم کرده و آن را از عوامل بحران این کشور نامیده‌اند. درخواست پاکستان برای عضویت در جمع تأمین‌کنندگان هسته‌ای جهان نیز با پاسخ منفی غرب مواجه شده است. در حوزه افغانستان نیز مهم‌ترین مسئله تأکید کشورهای غربی برای ادامه حضور نظامی در این کشور است، چنانکه اوپاما بر بسند بازگشت نیروهای آمریکایی به وضعیت جنگی و افزایش نیرو تأیید کرده و

آمریکا در شبه قاره به دنبال چیست؟

انگلیس و ناتو نیز از افزایش نیرو خبر داده‌اند. جالب و قابل توجه آنکه بسیاری از ناظران سیاسی تأکید دارند تحرکات آمریکا با ادعای مقابله با طالبان از جمله ترور ملا اختر سرکرده این گروه، اقدامی آمریکایی برای تقویت دأش در منطقه بوده است، هر چند که در ظاهر ادعای مبارزه با تروریسم را سر می‌دهند. در حوزه افغانستان آمریکایی‌ها اقدام دیگری را نیز صورت داده‌اند و آن وصل کردن این کشور به آسیای مرکزی و قفقاز با خط لوله تابی و انتقال برق این مناطق به افغانستان با عنوان کاسا ۱۰۰۰ است که نوعی جداسازی افغانستان از شبه قاره و وصل ساختن آن به مراکز مورد نظر غرب در آسیای مرکزی و قفقاز است. حال این سؤال مطرح است که چرا غرب به ویژه آمریکا زنجیره‌ای از اقدامات را در شبه قاره آغاز کرده است، در حالی که محور اصلی آن را رویکرد به هند و افغانستان و ایجاد برخی چالش‌ها برای پاکستان تشکیل می‌دهد؟ آنچه در فرآیند رفتاری غرب مشاهده می‌شود، طراحی برای برهم زدن موازنه قدرت در منطقه است، به‌گونه‌ای که هیچ نوع همگرایی میان کشورها ایجاد نشود، چنانکه رفتارهای اخیر آمریکایی‌ها عملاً معادلات افغانستان، پاکستان و هند برای بهبود مناسبات و حل اختلافات را برهم زده است، طوری که درگیری مرزی میان پاکستان و هند و پاکستان و افغانستان ده‌ها کشته و زخمی برجای گذاشته و عملاً دوطرف از نداشتن شرایط برای حل اختلافات گفته‌اند. سؤال دیگر این است که آمریکا از این برهم زدن موازنه به دنبال چیست؟ بسیاری از ناظران سیاسی توسعه حضور نظامی در منطقه را عامل این مهم می‌دانند که در قالب افزایش نیرو در افغانستان و نیز تحمیل برخی توافقنامه‌های امنیتی به پاکستان و هند با ادعای مبارزه با تروریسم صورت می‌گیرد که دستور اوپاما برای افزایش حوزه فعالیت نیروهای آمریکایی در منطقه نمودی از آن است. نکته مهم دیگر طراحی برای سایش منطقه در تقابل‌های درونی است. آمریکایی‌ها برای حضور در منطقه سیاست انگلیسی «تفرقه‌بینداز و حکومت کن» را اجرا می‌سازند. در حالی در این میان سایشی سراسری در منطقه شکل می‌گیرد که حتی هند که آمریکا ادعای نزدیکی گسترده به آن را مطرح می‌سازد نیز در نهایت قربانی این طراحی شود، نکته بسیار مهم در رفتار غرب گرناهی‌های اقتصادی این کشورها است. آنان به شدت از احیای جاده ابریشم با محوریت چین، افغانستان، پاکستان، هند، ایران و حتی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در هراس هستند؛ لذا سناریوهای متعددی برای برهم زدن آن در پیش گرفته‌اند. تأکید بر استمرار تحریم‌های جمهوری اسلامی ایران، بر هم زدن مناسبات سیاسی کشورهای شبه قاره از جمله تقابل میان هند و پاکستان و افغانستان، ایجاد الگوهای جایگزین برای تأمین نیازهای برخی کشورهای منطقه نظیر سوق دادن افغانستان به آسیای مرکزی و قفقاز و دور ساختن آن از ظرفیت‌های جمهوری اسلامی، سوق دادن هند به غرب گرای به جای منطقه‌گرایی، ترویج و گسترش تروریسم در منطقه برای ایجاد بی‌ثباتی مدیریت شده را می‌توان در این چارچوب دانست. در مجموع می‌توان گفت که در بازی چند لایه آمریکا در شبه قاره یک هدف مهم مشاهده می‌شود و آن بی‌ثبات‌سازی منطقه است که برای عقب نگه داشتن و استفاده ابزاری کشورها در جهت منافع آمریکا صورت می‌گیرد.

رخنه

نفوذ رژیم صهیونیستی در جهان اسلام – ۲۳

سیرالئون سفره‌ای برای کفتارهای صهیونیست

■ ■ ■ عبدالله عبادی ■ ■ ■

در بخش‌های کشاورزی، آبیاری، دامپروری، آموزش‌وپرورش و … در این کشور هستیم. سیرالئون به دلیل قرار گرفتن در نزدیکی خط استوا کشوری سرسبز با جنگل‌های فراوان و گسترده است. وجود این وضعیت سبب شد تا دامداری به ویژه پرورش گاو در این کشور رونق خوبی داشته باشد؛ اما فقر عمومی و نبودن کشتارگاه‌های صنعتی



سبب شده بود تا کشتار این حیوان به شکل سننتی و در سطح وسیع مشکلات زیست‌محیطی و بهداشتی فراوانی برای مردم ایجاد شود. کشتار این حیوان در سطح وسیع در این کشور گرمسیر سبب شده بود تا ضمن آلودگی محیط زیست، به‌ویژه آبیگرها و رودخانه‌ها میلیون‌ها مگس در محل کشتار جمع شده و سبب انتقال سریع بیماری‌ها در روستاها و حتی شهرها شود؛ از این رو سازمان صهیونیستی ماشاو که فعالیت‌های فراوان و متنوعی در کشورهای آفریقایی و به‌ویژه غرب آفریقا دارد، اقدام به ایجاد یک کشتارگاه صنعتی در منطقه koosh town کرد که سبب بهبود وضعیت بهداشتی و زیست‌محیطی مردم این منطقه شد. یکی دیگر از مشکلات بهداشتی این کشور نبود سرویس بهداشتی در

این رژیم تشکیل شده بودند، آفریقا است و ذخایر غنی از مواد معدنی به‌ویژه الماس و آهن دارد. از زمان استقلال سیرالئون در دهه ۱۹۶۰ رژیم صهیونیستی توجه خاصی به این کشور داشت و سعی کرد با برقراری روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در لایه‌های مختلف این کشور نفوذ کند. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰

سیرالئون کشوری در غرب آفریقا است و ذخایر غنی از مواد معدنی به‌ویژه الماس و آهن دارد. از زمان استقلال سیرالئون در دهه ۱۹۶۰ رژیم صهیونیستی توجه خاصی به این کشور داشت و سعی کرد با برقراری روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در لایه‌های مختلف این کشور نفوذ کند. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شرکت‌های مختلف صهیونیستی برای استخراج معادن این کشور به سوی آن هجوم آوردند و سعی کردند با دادن رشوه به مقامات فاسد آن امتیاز استخراج این معادن را با نازل‌ترین قیمت به دست آورند.

طی این دوران شاهد تاراج معادن و ثروت‌های خدادادی این کشور هستیم، اما پس از شکست اعراب از صهیونیست‌ها بنا به درخواست مصر روابط کشورهای آفریقایی از جمله سیرالئون با رژیم صهیونیستی قطع شد، اما قاچاقچیان الماس همچنان در خفا مشغول قاچاق این ماده ارزشمند از سیرالئون به مقصد رژیم صهیونیستی بودند.

با آغاز جنگ داخلی این کشور در دهه ۱۹۹۰ شاهد نفوذ خزنده تجار الماس و اسلحه به این کشور هستیم، از یک سو دولت این کشور برای مقابله با شورشیان به سلاح و تجهیزات و آموزش نظامیان خود نیاز داشت، اما چون بودجه‌ای برای اداره این جنگ داخلی نداشت، بار دیگر صهیونیست‌ها که مترشد فرصت بودند قدم جلو گذاشتند و با گرفتن امتیاز بهره‌برداری از معادن سنگ آهن و الماس به یاری ارتش این کشور شتافتند. در این زمان شرکت‌های خصوصی وابسته به وزارت دفاع رژیم صهیونیستی که از بازنشستگان موساد و ارتش

نظام سرمایه‌داری همواره بر یک کلیدواژه تأکید دارد و آن، لزوم وارد شدن کشورها به نظام جهانی است. قدرت‌های غربی چنین ترویج می‌کنند که کشورها نباید در انزوا باشند و باید برای ورود به نظام بین‌الملل تلاش کنند. آنها تأکید دارند در این معادله حاضر به کمک‌رسانی به کشورها نیز هستند. حال این پرسش اساسی مطرح می‌شود که نظام جهانی مورد نظر این کشورها چیست و در ازای تحقق این هدف، چه مطالباتی از کشورها دارند؟

بر اساس ساختار ادعایی این طیف با محوریت آمریکا، کشورها برای ورود به ساختار جهانی یا به زعم آنها آشتی با جهان، باید چند مؤلفه مورد نظر داشته باشند که شامل حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی می‌شود. نمود عینی این رفتار را می‌توان در سیاست آمریکا و چند کشور که خود را

قدرت برتر غرب می‌نامند، در قبال اتحادیه اروپا و ناتو مشاهده کرد. در اتحادیه اروپا هر چند بر اصل سود و منفعت مشترک تأکید می‌شود، اما عملاً کشورهایی،



مانند آلمان، فرانسه و انگلیس برای سایر کشورهای اروپایی تصمیم می‌گیرند و در بسیاری از مواقع نیز با واسطه به تحقق اهداف آمریکا منجر می‌شود.

اکنون در ساختار اتحادیه اروپا و ناتو سه نکته به وضوح دیده می‌شود؛ نخست آنکه کشورهای کوچک تحت این پیمان‌ها حقی برای تصمیم‌گیری سیاسی و اقتصادی ندارند و صرفاً کشورهایی هستند که پیرو سیاست‌های آمریکا و بزرگان اروپا هستند. نمود عینی این وضعیت اجرای طرح‌های ریاضت اقتصادی در بسیاری از این کشورها است که با وجود هزینه‌های سنگین برای آنها مجبور شده‌اند آن را اجرا کنند. اوضاع بحرانی کشورهایی همچون یونان، پرتغال، ایرلند و حتی ایتالیا و اسپانیا نیز نمودی از این وضعیت است. جالب توجه آنکه در حوزه ناتو نیز وضعیت مشابهی دارند، چنانکه باید تأمین‌کننده هزینه‌های مالی و انسانی آمریکا در لوای حفظ نام و تقویت ناتو باشند.

گفتنی است، کشورهای اروپایی به دلیل حذف استقلال سیاسی خود، به انجام کارهایی وادار می‌شوند که به تشدید بحران اقتصادی و چالش‌های جهانی

هفته نامه سیاسی،فرهنگی و اجتماعی
دوشنبه ۳۱ خرداد ۱۳۹۵ / ۱۴ رمضان ۱۴۳۷/شماره۴۵

فراسو

ذوب شدن در نظام بین‌الملل

■ ■ ■ قاسم غفوری ■ ■ ■

برای آنها منجر شده است. مشارکت اجباری این کشورها در اعمال تحریم‌های آمریکا و بزرگان اروپا علیه سایر کشورها نمودی از این وضعیت است.

هر چند که اروپایی‌ها تحریم‌هایی را علیه کشورهایی نظیر جمهوری اسلامی ایران، چین و کوبا وضع کرده‌اند؛ اما به اذعان خودشان نتیجه این تحریم‌ها تشدید چالش‌های اقتصادی برای آنان بوده است. نداشتن استقلال سیاسی و اقتصادی، هزینه‌های معنوی بسیاری نیز برای کشورهای کوچک اروپایی به همراه داشته که بخشی از آن ایجاد حس حقارت میان ملت‌های آنان و بخشی از آن نیز منغور شدن نزد افکار عمومی جهان است.

برای نمونه، به دلیل روابط شخصی سران آمریکا و کشورهایی، مانند انگلیس، فرانسه و آلمان با رژیم سعودی اتحادیه اروپا از محکوم‌سازی جنایات سعودی در یمن و منطقه خودداری می‌کند؛ حال آنکه این اقدام اتحادیه اروپایی به پای تمام کشورهای این قاره نوشته می‌شود. بسیاری از کشورهای اروپایی به دنبال محکوم‌سازی و مخالفت با جنایات سعودی هستند، اما چون در قالب ناتو و اتحادیه اروپا استقلال سیاسی و اقتصادی خود را از دست داده‌اند، چاره‌ای جز سکوت و حمایت ندارند.

دوم آنکه، در حوزه فرهنگی نیز بسیاری از این کشورها به اجبار در قالب همسانی و همسویی با اتحادیه، فرهنگ بومی خود را کنار گذاشته و از روی اجبار ساختار فرهنگی جاری در کشورهای بزرگ اروپایی را پذیرفته‌اند که یکی از ابعاد آن، ترویج فرهنگ خشونت و نژادپرستی در این جوامع بوده است. نمونه بارز این وضعیت نوع رفتارهای غیرانسانی بسیاری از کشورهای اروپایی با پناه‌جویان آواره از جنگ است که تحت تأثیر فضای روانی و القایی بزرگان اروپا در کیان بسیاری از جوامع اروپایی ایجاد شده است.

نکته نهایی درباره ذوب شدن کشورهای اروپایی در جامعه جهانی ادعایی قدرت‌های بزرگ را می‌توان در حوزه نظامی مشاهده کرد. بسیاری از این کشورها در لوای نام رفتار مشترک با قدرت‌های غربی از داشتن ارتش و نیروی دفاعی مستقل محروم شده‌اند و برای کوچک‌ترین اقدام دفاعی در لوای نام ناتو به قدرت‌های امریالیستی، نظیر آمریکا وابسته هستند. بررسی ساختار نظامی حاکم بر اروپا نشان می‌دهد، بسیاری از این کشورها از یک سو اشغال شده نظامی آمریکا هستند و از سوی دیگر به دلیل نداشتن استقلال نظامی به اجبار ناتو وابسته شده‌اند. ناتویی که جز تأمین خواسته‌های نظامی آمریکا و انگلیس کارکرد دیگری نداشته و سایر اعضا با ضعف نظامی به اجبار باید در این پیمان باقی بمانند و هزینه‌های انسانی مادی و انسانی جنگ‌افروزی‌های آنان را تأمین کنند و به این ترتیب ناخواسته شریک جرم خیانات جهانی آنان می‌شوند. بر اساس این می‌توان گفت، واژه ورود به نظام بین‌الملل ادعایی بزرگان غرب به‌ویژه آمریکا به معنای حذف شدن از ساختار جهانی و تبدیل شدن به مهرهای وابسته و بدون استقلال و آزادی است که با واژه زیبایی، همچون آشتی با جهان یا قرار گرفتن در ساختار جهانی آن را پنهان می‌کنند.

کند و کاو	۷۱۵
رخدادهای بی‌رحم سننل ایران و آمریکا	
رفع جوّ روانی تحریم‌ها مشروط به تغییر رفتار ایران است!	
باشگاه خبرنگاران: سخنگوی وزارت خارجه آمریکا به اظهارنظر وزیر خارجه ایران مبنی بر لزوم تلاش بیشتر واشنگتن درباره رفع جوّ روانی ناشی از تحریم‌های ایران پاسخ داد. سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با پیش کشیدن مواضع منطقه‌ای ایران از قبیل موضوع حزب‌الله، برداشته شدن جوّ روانی حاصل از تحریم‌های آمریکا را به تغییر مواضع ایران مرتبط دانست. جان کربی گفت: «آنچه به برداشته شدن برخی از این بقایای جوّ روانی کمک می‌کند، توقف فعالیت‌های ثابت‌زداي ایران خواهد بود؛ اقداماتی که آنها همچنان ادامه می‌دهند.» این مقام آمریکایی افزود: «آنچه تجارت را محتاط و سلاکت می‌کند، تلاش نکردن آمریکا نیست؛ بلکه وقتی آنها (تجّار و بازرگانان) می‌پینند که به حزب‌الله موشک‌هایی داده شده که به ناوهای آمریکایی شلیک شده‌اند و حمایت از گروه‌های تروریستی ادامه دارد، نگران می‌شوند.»	
حل مشکلات خاورمیانه در دستان ایران است!	
خبرگزاری ایرنا: «گری سیک» مشاور سابق رؤسای جمهور سال‌های دهه هفتاد و هشتاد میلادی آمریکا و «جی، ویزنر» مشاور امور بین‌الملل در یادداشتی مشترک که در وبگاه «گولوند» منتشر شده است، توافق هسته‌ای ایران با قدرت‌های جهانی را عامل جدید تغییر‌دهنده اوضاع در خاورمیانه (غرب آسیا و شمال آفریقا) نامیدند و نوشتند: ایران با همسایگانش در آرامش زندگی می‌کند و معیارهای رفتاری پذیرفته‌شده در سطح بین‌الملل را رعایت می‌کند. ما باید به ایران تفهیم کنیم که اقدامات خصمانه‌اش، چون آزمایش موشکی با دیدگاه‌های جامعه بین‌الملل سازگاری ندارند. همچنین، باید به مرور زمان و گام‌به‌گام به اقدامات مثبت ایران پاسخ داده و درهای خود را در زمینه تجارت، سرمایه‌گذاری و مبادلات فرهنگی و آموزشی به روی آنها باز کنیم.	
آمریکا همچنان با رفتارهای ایران در منطقه مخالف است!	
خبرگزاری فارس: «جان کربی» سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد: اختلافات عمیقی بین ایران و کشورش بر سر پرونده‌های مختلف در منطقه وجود دارد و واشنگتن همچنان با رفتارهای ایران به شدت مخالف است. جان کربی در ادامه تأکید کرد، ایران باید به نیروهای شیعی فشار بیابورد تا به آتش‌بس پایبند باشند. وی گفت: در بیانیه وین از طرف‌های بین‌المللی حامی سوریه خواسته شد تا درگیری در همه مناطق سوریه را متوقف کنند که ایران هم یکی از شرکت‌کنندگان نشست وین بود.	
استمرار سیاست تهدیدی و تحریمی آمریکا	
خبرگزاری فارس: مقامات فدرال یک شهروند ایرانی را به اتهام قاچاق قطعات هواپیما از آمریکا به ایران و نقض تحریم‌های آمریکا در «کلرادو» دستگیر کردند. دادستان‌ها در یک کیفرخواست ۳۹ فقره‌ای فدرال، مدعی شدند وی قطعات هواپیما و دیگر تجهیزات مورد استفاده صنعت هواپوردی را در بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ از آمریکا به ایران قاچاق کرده و در واقع در آن زمان تحریم‌های آمریکا علیه ایران را نقض کرده است. کیفرخواست مدعی است، وی کالاهایی را در آمریکا برای مشتریانی، از جمله کاربران نظامی در ایران تهیه کرده بود.	
مخالفت آمریکا با درخواست اروپا درباره تحریم‌های ایران	
خبرگزاری تسنیم: درخواست مقامات اروپایی از مقامات واشنگتن درباره توضیحات شفاف‌تر در زمینه سازوکار تحریم‌های ایران نتیجه‌ای نداشت. «ولومبرگ» در گزارشی نوشت: درخواست دولت‌های اتحادیه اروپا برای حفاظت از بانک‌ها و شرکت‌های فعال در مراده تجاری با ایران در برابر تهدید تحریم‌های مالی با مخالفت آمریکا روبه‌رو شده است. وزیران دارایی اتحادیه اروپا در جریان مذاکرات بروکسل در اواخر ماه مه (اوایل خرداد) از مقامات واشنگتن خواستند توضیحات شفاف‌تری در درباره سازوکار تحریم‌های دولت آمریکا در اختیار آنها قرار دهند؛ اما به گفته دو نفر از مقاماتی که از نزدیک در جریان این نشست‌ها بوده‌اند، این تلاش نتیجه‌ای نداشته است.	